

تحقیقی

درباره شغل و وظیفه

عشی الممالکی

پژوهشگاه علوم انسانی و
پرتال جامع علوم

بقلم

سرہنگ جهانگیر قائم مقامی
(دکتر در تاریخ)



پروفیسر شکیل احمد
پرنسپل جامعہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ

تحقیقی در باره شغل و وظیفه منشی الممالک

بقلم

سرینبات جهانگیر قائم مقامی
(دکتر و تاریخ)

«منشی الممالک» از لقبهای شغلی دوره‌های پیش است که چون شغل و وظیفه آن بکسی واگذار میشد، آن لقب را نیز باو میدادند و بطوریکه از عنوان منشی - الممالک برمی آید شخصی که باین لقب و منصب گمارده میشده است رئیس دیوان رسالت و دارالانشاء بوده و لامحاله عده‌ای منشی و کاتب و دبیر زیر دست خود داشته است بنابراین برای تشخیص شغل و وظیفه منشی الممالک، شناختن دیوان رسالت و انشاء در طول تاریخ ایران لازم بنظر میرسد.

آگاهی ما از دیوان انشاء

ورسائل دوره‌های پیش از اسلام محدود است بزمان ساسانیان و درباره این دوره میدانیم که زبردست‌ترین منشیان و بهترین خوشنویسان برای دیوان انشاء استخدام میشدند و منشیان و خطاطان درجه دوم را بحکام ولایات میسپردند و دبیران در این دوره همه قسم اسناد را ترتیب میداده‌اند و مکاتبات دولتی بدست آنها بوده است، فرمانهای سلطنتی را انشاء و ثبت میکردند و جزء جمع تزیینها را مرتب و محاسبات دولت را اداره مینمودند.

در دوره ساسانیان شغل دبیری در خاندانها موروثی بود و پادشاهان، دبیران خود را و مخصوصاً دبیران بزرگ را از میان کسانی برمیگزیدند که پدر بر پدر دبیر میبودند. طبری در شرح مملکتداری انوشیروان در این باره بدین گونه اشاره میکند:

«پس مردی را بخواند از دبیران بزرگ، از آن کسها که دبیری اندر خانگه ایشان بود از سالهای بسیار^۲، و بنا بر اویت خوارزمی، در دستگاه ساسانیان هفت دبیر بوده است بدین شرح:

- | | |
|-----------------------------|----------------|
| ۱- دبیر داد گستری | داد دبیر |
| ۲- دبیر عواید دولت شاهنشاهی | شهر آمار دبیر |
| ۳- دبیر عایدات دربار سلطنتی | کذگ آمار دبیر |
| ۴- دبیر خزانه | گنج آمار دبیر |
| ۵- دبیر اصطلیل شاهی | آخور آمار دبیر |
| ۶- دبیر عایدات آتشکده‌ها | آتش آمار دبیر |
| ۷- دبیر امور خیریه | روایگان دبیر |

ورئیس طبقه دبیران را که این چنین مقام و اهمیتی در دستگاه دولتی داشته‌اند، «ایران دبیر بند» یا «دبیران مهشت» میگفتند و احیاناً ما موریت‌های سیاسی هم با او گذار میشده است^۳

۱- کریستن سن: ایران در زمان ساسانیان ص ۱۵۴ - ۱۵۵ ترجمه فارسی

۲- تصحیح ملک‌الشعراء بهار ص ۱۰۴۷

۳- کریستن سن: ص ۱۵۵

بعد از ساسانیان در اوائل ظهور اسلام، چون رسم بر این بود که هر کس از مسلمانان حاجتی میداشت می توانست خود بحضور خلیفه برسد و امور خلافت و کشورداری فی المجلس در حضور خلیفه حل و فصل میشد بناچار نیازی بوزیر و دبیر نمی بود.^۴

در این سالها، خلیفه شخصاً دفتر اموال بیت المال را نگهداری میکرد و نامه هائی که از طرف او نوشته میشد خود مهر میزد و گاهی خود او نیز نامه هارا مینوشت^۵ اما طولی نکشید که در رتق و فتق امور بامشکلاتی روبرو شدند و خود را از داشتن دیوان ناگزیر دیدند. نخستین کسی که در دولت اسلام بتأسیس دیوان اقدام کرد عمر خلیفه دوم بود که در سال هشتم هجری برای منظم کردن حساب خراج هائی که میرسید باین کار پرداخت^۶.

در زمان عمر «فقط يك كاتب نامه های رسمی را مینوشت و در عین حال حسابداری هم بعهده او بود و در آمد هزینه را در دفتر محاسبات قید میکرد»^۷ و در دوره امویان که دستگاہ خلافت بسط و گسترش بیشتری یافت برای دفتر احکام و مکاتبات، دبیر (کاتب) مخصوص تعیین گردید که بر اسرار قلمرو و خلافت احاطه داشته باشد و نگذارد اسرار دستگاہ منتشر شود و یا بمسامحه بگذرد و امور محاسبات و خراج نیز زیر نظر او میگذشت ولی این دبیر بمنزله وزیر نبود زیرا در این دوره تنها نیاز بخط و انشاء می بود^۸ و خلیفه خود با استبداد رأی بامور قلمرو و خلافت رسیدگی میکرد و بدین ترتیب مکاتبات و محاسبات کشور کلاً در يك دیوان میگذشت ولی چون عباسیان روی کار آمدند دستگاہ خلافت بدربار سلطنتی تبدیل گردید و نیاز بوجود وزیر و حاجب و دبیرهای متعدد

۴- ابن خلدون : مقدمه، ص ۴۶۸ ج ۱

۵- جرجی زیدان : تاریخ تمدن اسلامی ج ۱ ص ۱۱۰

۶- ابن خلدون : ص ۴۸۱ - ۴۸۲ ج ۱ و جرجی زیدان : ص ۱۰۹ ج ۱

۷- جرجی زیدان : ص ۱۱۱ ج ۱

۸- ابن خلدون : ص ۴۷۰ ج ۱

احساس شد^۹ و این توسعه در تشکیلات، از همان آغاز روی کار آمدن عباسیان صورت عمل بخود گرفت. سفاح خلیفه اول عباسی (۱۳۲-۱۳۶ق) ابوسلمه خلال را بوزارت خود برگماشت و چون او کشته شد، وزارت بخالد بن برمک مفوض گردید^{۱۰}. خالد که اصلاً ایرانی بود و پیش از آنکه آئین اسلام را بپذیرد و بدستگاه خلفا راه یابد پیرو مذهب زرتشتی بود، با آشنائی و وقوف کامل به آداب و رسوم تاریخ ایران و اطلاع از دستگاه اداری ساسانیان بنیاد اداره دولت عباسیان و دیوانهای آنرا بر شالوده اداری ساسانیان گذارد. در این دوره، نخست «دیوان مراسلات و محاسبات» که یکی بود بدو دیوان محاسبات و دیوان رسائل و انشاء تقسیم شد و اداره این هر دو را در کلیات، خالد خود زیر نظر گرفت^{۱۱} و رفته رفته در زمان خلفای بعد از سفاح، و در زمان وزارت اولاد خالد دیوانهای دیگری نیز تشکیل یافت که یکی از آنها دیوان رسالت یا انشاء بود^{۱۲} و رئیس آنرا بطوریکه هلال بن صابی، نوشته است «صاحب دیوان انشاء» میخواندند^{۱۳}. در دوره سامانیان و غزنویان دیوان انشاء را «دیوان رسالت» و رئیس آنرا «صاحب دیوان رسالت» میگفتند^{۱۴} و آن یکی از دو این تابع وزارت بود که جماعتی بنام کاتب و منشی رسائل در آن کار می کردند.

۹- ابن خلدون: ص ۶۶۸ - ۴۷۰ ج ۱ و به تجارب السلف نیز رجوع کنید که در شرح دولت عباسی مینویسد «در دولت سابق وزارت بر کسی مقرر نبود و هر کسی را از خلفا که کاری پیش آمدی از تدبیر آن مستبد بودی یا با خویشان و اصحاب مشاورت کردی، بسبب این، ذکر وزارت نکردیم اما در دولت عباسیان کارها بر قاعده میرفت و ایشان وزارت را مرتب کردند» ص ۹۶ تصحیح عباس انبال

۱۰- بقول مؤلف تجارب السلف، خالد بن برمک سومین وزیر عباسیان بود (ص ۱۰۰ به بعد) و لوسین بووا Lucien Bauvat در کتاب «برمکیان» اورادومین وزیر میدانند (رک به ص ۵۰-۵۱ ترجمه عبدالعسین میکده).

۱۱- لوسین بووا: برمکیان ص ۵۱ و ۵۳- به ابن خلدون ج ۱ ص ۴۷۰ و جرجی زیدان ج ۱ ص ۱۱۰ نیز مراجعه کنید.

۱۲- جرجی زیدان ج ۱ ص ۱۱۱ و ص ۱۱۲ و لوسین بووا ص ۵۳

۱۳- رسوم دار الخلافه ص ۱۲۶ ترجمه فارسی- به کریستن سن ص ۱۶ نیز نگاه کنید.

۱۴- بیهقی: تاریخ، ص ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۶۶ و بسیاری جاهای دیگر

از سازمان و تشکیلات اداری دیوان رسائل در این دوره، آگاهی کافی نداریم، تنه‌ا میدانیم کاتبان دیوان مراتب مختلفی داشته‌اند مانند کاتبانی که در حضور پادشاه و صاحب دیوان می‌ایستادند و آنهایی که اجازه داشته‌اند بنشینند^{۱۵} چون سلجوقیان روی کار آمدند از کتاب و منشیان و عمال دیوانی ایرانی که عمر خود را در دستگاه پادشاهان سامانی و غزنوی و دیلمیان گذرانده بودند استفاده کردند و این عده «تقریباً عین تشکیلات و انتظامات اداری را که در عهد سامانیان و غزنویان در ماوراء النهر و خراسان وجود داشت باقی گذاشتند و دیوان سلاجقه بغیر از پاره‌ای تغییرات بمقتضی زمان و بعضی تبدیلات اصطلاحی عین همان دیوان غزنویان و سامانیان بود»^{۱۶} ولی دیوان رسالت در این زمان ضمیمهٔ دیوانی دیگر بنام دیوان طغرا شد که رئیس آن، نیابت وزارت را نیز بعهده داشت و امور مربوط به تهیهٔ فرمانها و مکاتبات باین دیوان ارجاع میشد و رئیس آنرا صاحب یا وزیر دیوان طغرا و رسائل میگفتند و او در حقیقت رئیس دارالانشاء و با اصطلاح امروز وزیر امور خارجه بود و در زیر دست خود عده‌ای منشی و نویسنده و طغرا کش داشت. از سواد فرمانی که دربارهٔ اعطای منصب دیوان طغرا و انشاء در زمان سلطان سنجر در دست است میتوان بوظائف دیوان طغرا که دیوان انشاء هم جزو آن بوده است آگاه شد.

این است قسمتی از فرمان وزارت دیوان طغرا :

«دیوان طغرا و نیابت دیوان وزارت بوی تفویض فرموده شد و زمام امر و نهی و حل و عقد مهمات ملک و مصالح دین و دولت بدست کفایت و فضل و فطنت او داده آمد تا چنانکه از وی معهود است و متعارف، روی بدان روی آورده برأی صائب ترتیب کلیات مصالح ممالک حرسها لله بواجبی پیش گیرد و خاطر ما از آن فارغ دارد، و جوهر ارزاق و مواجب حشم و خدم معین و مرتب گرداند و اسباب تخفیف

۱۵- قابوسنامه چاپ نفیسی ص ۱۵۴

۱۶- عباس اقبال: وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی ص ۱۸ و ۱۹

و ترفیه خلائق جهان که ودایع آفریدگار عزو علاندمهیا کند و بر رسم محدث و قاعده ناپسندیده که مسلمانان را از آن رنجی باشد و شائبه ظلمی و حیفی دارد براندازد و کارهای معاملات ملک عالم را بتازگی ، بقلم طراوتی دهد و تریبیبی کند که از آن ذکر جمیل و ثواب جزیل منتشر و مدخر گردد و آن قرار، آثار آن مؤبد و مخلص ماند و همچنین ترتیب دیوان انشاء که ناز کمتر شغلی در دیوان آنست بواجب گیرد و در هر چه طبقات کتاب که امناء اسرار و ثقات خفایاء احوال ملک اند تحریر کنند تا نطق و تأمل کند و بردقایق الفاظ و معانی ایشان مطلع باشد و حال عقل و فضل هر یک از مکتوب و نتایج و نسیج قریحت و قلم او بداند که : کتاب الاجل عنوان عقله و فضله . تا هر مثال و کتاب و خطاب که نافذ و صادر گردد و بادانی و اقاصی برسد متضمن فواید و مصالح جهان و جهانیان باشد و مصون از خلل و سهو و موجب ابطال و محمولی تعاقب الایام و ترفتر الشهور و الاعوام مذکور و مسطور همی ماند و آن دفتر مدخر همی گردد»^{۱۷}.

پس از سلجوقیان ، در دوره خوارزمشاهیان ، شغل و مقام دیوان انشاء بالاتر از دیوان طغرا قرار گرفت . مؤلف کتاب سیرت جلال الدین مینکبرنی در شرح حال دولتیار طغرائی اشاره ای باین نکته کرده است . او میگوید : « او منصب طغرای سلطان (یعنی جلال الدین خوارزمشاه) داشت و آن منصب در آن دولت از مناصب بزرگ و فروتر مرتبه انشاء بود و پیش سلجوقیان طغرا شریفتر از انشاء بود»^{۱۸}.

۱۷ - عتبه الکتبه از ۴۸ تا ۵۰

۱۸ - صفحه ۲۵ و ۲۶

عوفی که همزمان با پایان دورهٔ خوارزمشاهیان و اوائل استیلای مغول میزیسته در جوامع الحکایات از انواع کاتبان آن دوره که هر یک شغل و وظیفه خاصی داشته‌اند نام برده است مانند کاتب خراج، کاتب معونت، کاتب احکام، کاتب رسائل و انواع دیگر^{۱۹} و این نکته حاکی از توسعه و گسترش دستگاه اداری زمان خوارزمشاهیان می‌باشد.

مقارن این احوال، حملهٔ مغول بایران روی داد و تغییرات کلی در همهٔ مشئون اداری و اجتماعی حاصل شد. در دورهٔ ایلخانان، دستگاه اداری به روش مغول‌ها اداره می‌شد^{۲۰} و دیوانها اسامی مغولی داشته‌اند. مینورسکی در حواشی تذکرهٔ الملوك با استناد مندرجات جامع التواریخ می‌نویسد عنوان و لقب رئیس دیوان انشاء در این دوره منشی الممالک بوده و در این باره نوشته است «نسبت لقب منشی- الممالک بزمان سلطنت ایلخانان مغول میرسد و بهترین ترجمهٔ آن همانا وزیر امور خارجه است^{۲۱}» ولی ما در جامع التواریخ از این اصطلاح نشانی نیافتیم. اما از اینکه وسعت وظایف منشی الممالک تا چه حدودی بوده است آگاهی نداریم، بخصوص که میدانیم غازان خان در زمان سلطنت خود تهیهٔ سواد فرمان هارابمهدة امراء محول نموده بود^{۲۲} و بدین ترتیب جزئی از اختیارات و وظائف منشی الممالک سلب و چهار تن دیگر از امراء محول گردیده بود. بنابراین، در دورهٔ ایلخانان منصب و شغل منشی الممالکی نضج و قوام چندانی نداشته است.

۱۹- باب مقدم

۲۰- ر.ک به رشیدی: جامع التواریخ ص ۶۴۲ - ۶۴۴ چاپ دکتر کریمی

۲۱- سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه فارسی ص ۱۱۷

۲۲- رشیدی در این باره نوشته است: «در باب یرلیغ فرمود... سواد یرلیغ امرا کنند که مصالح ملک و صرفه هر کاری دانند و اگر ناموجه و دور از کار باشد، بالتماس هر کس فنویسند و نیز بسی مهمات باشد که بادفاتر دیوانی و ذکر موضوع و مبلغ، رجوع باید کرد و باید احتیاط کرده سواد کنند، آنگاه به اتفاق بیتکچیان مغول لفظ بلفظ بر خوانده بمحل عرض رسانند تا اگر اصلاحی باید، بقلم مبارک فرماید یا بلفظ مبارک. بعد از آنکه بیاض کنند، دیگر باره عرضه دارند و بعد از آن بآل رسانند و بگویند که فلان یرلیغ است که جهت فلان در فلان روز عرضه افتاد و فلان روز خوانده آمد تا اجازت تمنا زدن بدان پیوندد.» ص ۱۰۶۱

ولی بعد از ایلخانان، در دوره جلایریان این شغل و لقب، رسمیت کامل یافت و در کتاب دستورالکاتب تألیف محمد بن هند و شاه نخجوانی باین اصطلاح مکرر بر میخوریم و حتی از وجود سواد و فرمان منشی‌الممالکی که بنام مولانا سعدالدین شیخی صادر شده و در آن کتاب است میتوان دریافت تثبیت و رسمیت این شغل و منصب بقسمی بوده که تفویض آن ایجاب می کرده است فرمان صادر شود. اینک سواد قسمتی از فرمان مزبور را که از محتوای آن، نکاتی چند در باره وظیفه منشی‌الممالکی معلوم می گردد در اینجا می آوریم:

«استعلا بر شوا هق جبال جمال و جلال و استیلا بر
 کو امل منازل کمال و ا کمال و صعود بر مصاعد جهان بنانی
 و عروج قهرمانی جز به تعیین حذاق کتاب و [-] اساتید
 [-] انشاء دیوان ممالک صورت نبندد و احتیاج ملوک
 انام و سلاطین اسلام بشخصی که مستودع اسرار سلطنت
 و مستخزن احوال مملکت و ینبوع حقایق معانی و دستور
 دقایق مبانی و منبع غرایب ترا کیب و معدن بدایع
 الفاظ و [-] باشد، در غایت شدت است چه نظام مملکت
 بی مساعدت سواعد اقلام او میسر نشود و قوام اوضاع
 ملک و ملت بی ارقام ارقام و احکام احکام او دست ندهد.
 مصالحت میان سلاطین الام بی تسحیر کلمات سحر کردار
 او حاصل نگردد و موافقت میان ملوک ایام بی تسخیر
 عبارات گوهر بار او اتفاق نیفتد.

سلاطین را کاتب الروا [-] و ملوک را امین -
 الممالک من قط الدمایه باید که استنباط بدایع مبدعات،
 وظیفه طبع [زخار] او و استخراج لآلی مصنوعات ،
 نتیجه نثار فرخار او و هر آینه متصدی چنان امری
 خطیر [-] چنین شخصی جلیل‌القدر شریف باید

تفویض منصب انشاء ممالک بجانب او شد تا بروجهی که مقتضای رأی نقاد دو طبع و قادی و فیضان [-] و له معان اشمه فضیلت اوست بتقلید دیوان انشاء اشتغال نماید و مناسب هر فرد از افراد انسانی چون سلاطین و اهرام و وزراء و ارکان دولت و اعاون حضرت و اشراف و اعیان و اواسط الناس توکیل لایق و ترتیبی رایق فایق در سلك تعبیر آورد و القاب و ادعیه هر يك نیز وضعی که معهود و معتاد است در سلك تقریر و تحریر کنند و مطالب را بروضعی بیان کند که غریب الفهم باشد و از تکلف عبارات و تعسف استعارات احتراز و اجتناب ورزد و حد وسط مرعی داشته، مطول ممل و موجز مخمل ننویسد و تمهید قاعده سهل و ممتنع را [-] مجموع طالبان اسالیب و لغت داند و همچنین در کتابت احکام دیوانی و فرامین سلطانی داد سخن دانی بدهد و ناهوس حضرت سلطنت و دیوان امارت و وزارت در کتابت رعایت کند و تا بیان مطالب بر طریق ایجاز ممکن گردد از اطناب و [-] محترز و مجتنب باشد و تکرار الفاظ و معانی را بهمه وجهی قطع داند و استعمال الفاظ غریب و وحشی که مستعمل و مصطلح نباشد مستنکر و مستکره شمرد و . . . تا در نتیجه ابواب قول و قلم او از مزالقات اعتراض و مدارك استدراك مصون و مأمون ماند و از حضرت ما بتولیت و تربیت اختصاص یابد ، انشاء الله تعالی . بدان سبب این حکم نفاذ یافت تا از این تاریخ امرام الوس و تومان و . . . بدانند که از ابتداء این سال مولانا صاحب اعظم سعدالعلما و السدین شیخی را منشی دیوان بزرگوار جمع ممالک و کاتب السر حضرت

مادانند و دیگری را در این مهم امم و مصلحت اقدم با
 او شریک و منازع و عدیل و مخاصم نشانند و
 در کتابت مکاتبات سلطانی و احکام دیوانی رجوع کلی
 با او کنند..... و هیچ آفریده بی اذن و اجازت او در انشاء
 دیوان بزرگ مدخل نسازد....»

دستورالکاتب نسخه خطی کتابخانه مدرسة عالی سیهالار از ص ۳۷۶ تا ص ۳۷۷
 از فرمان مزبور چنین برمی آید منشی الممالک که منصب انشاء ممالک
 را داشته در این دوره « منشی دیوان بزرگ ۲۲ در جمیع ممالک و کاتب السر»
 پادشاه بوده و نوشتن «مکاتبات سلطانی و احکام دیوانی» از وظایف خاص او بوده
 و باو اختصاص داشته است و هیچکس را بی اجازه او حق مداخله در انشاء
 دیوان بزرگ نبوده است و بنابراین منشی الممالک که کاتب السر پادشاه بوده
 و مکاتبات سلطانی زیر نظر مستقیم او بیادشاهان دیگر نوشته میشده در حقیقت
 بمنزله وزیر امور خارجه در دوره های بعد بوده است.

بعد از جلایریان تا پیدایش صفویه، سلسله های کوچکی روی کار آمدند
 که دستگاه دیوانی آنها بهمان سبک اداری ایلخانان و جلایریان اداره میشد
 ولی شناسائی کافی بجزئیات آنها نداریم تا اینکه صفویان دولت بزرگ خود
 را تشکیل دادند.

از رسوم دیوانی دوره صفویه آگاهی بیشتری داریم و وظایف و شغل
 منشی الممالک در دو رساله دستورالملوک تألیف میرزا فیعا و تذکرةالملوک
 اثر میرزا سمیعا بصورت بالنسبه کاملتری تشریح و توصیف شده است و ما شرحی
 را که میرزا رفیعا در این باره نوشته است و جامع تر از شرح تذکرةالملوک
 میباشد در اینجا می آوریم:

۲۲- در تشکیلات اداری و حکومتی پادشاهان جلایری دواذرة اصلی بنام دیوان سلطنت اعلی و دیوان
 بزرگ می شناسیم که اولی عبارت از مجموعه بیوتات و متعلقات دربار پادشاهی و دومی برای اداره امور
 کشور و شامل دواوین کوچکترین از قبیل دیوان استیفاء، دیوان قضا، دیوان انشاء دیوان اشراف
 دیوان الخ بیتکیچی و دیوان نظر بوده است. برای تفسیر بیشتر بناریخ آل جلایر تألیف خانم دکتر
 شیرین بیانی رجوع کنید (از ص ۱۷۷ بعد)

«شغل مشارالیه سوای تحریر ارقام که تعلق بمعالی جاه واقعه نویس^{۲۳} دارد و دیگر جمیع احکامی که منشیان دارالانشاء بعضی را به مسووده^{۲۴} دفتری [و] بعضی را به مسووده منشی الممالک می نوشتند و از دفترخانه همیون میگذشت عموماً از تیولنامهجات امراء و بیگلربیگیان و سلاطین ممالک محروسه و همه سالجات و تنخواه براتی و سیورغالات و وظایف و اجارات و اقطاع و معافیات و مسلمیات و احکام منصب وزراء و مستوفیان و کلانتران و محتسبان و مححصان^{۲۵} ولایات و احکام بیاضی که از دیوان عدالت بنیان صادر می شد و احکام التزاماتی که هر کس برطبق دعوای خود به دیوان اعلی می داد و بهر طرف که لازم می آمد ابواب جمع محصلان دیوانی می شد و حکمی که در عنوان تصدیقات دفتری رسوم مهردادان نوشته می شد و دیگر آنچه بدفترخانه رجوع نداشت از قبیل شجرات خلیفگان ممالک محروسه و فرمانها و نشانها و غیرهم که به مسووده منشی الممالک منشیان قلمی می نمودند، بامشارالیه است و بقلم سرخی و آب طلا مشارالیه به طفرهای مختلف که مخصوص هر حکمی و نشانی و فرمانی بود مزین و محلی می ساخت»^{۲۵}

در شرح وظایف منشی الممالک تا اینجا نوشته های دور رساله دستور الملوك و تذكرة الملوك مشابهت بسیار با یکدیگر دارند^{۲۶} ولی اختلاف کلی در

۲۳- برای شناسائی از وظایف واقعه نویس که او را مجلس نویس هم می گفته اند به دستور الملوك فصل ۱۲ از باب دوم ص ۹۲ تصحیح آقای سید محمد تقی دانش پژوه در مجله دانشکده ادبیات تهران و تذكرة الملوك ص ۱۵-۱۶ رجوع کنید .

۲۴- آقای دانش پژوه این کلمه را محققان خوانده اند و مححصان بمعنی پرداخت کنندگان بروات صحیح است (رك به فرهنگ معین ماده مححصان).

۲۵- فصل هشتم از مقاله سوم از باب سوم

۲۶- تذكرة الملوك ص ۲۴-۲۵ نگاه کنید .

دو رساله مزبور در این است که مؤلف دستور الملوك نوشتن نامه‌ها و جوابهای را که بهر يك از امراء و ملوك و پادشاهان دیگر نوشته می‌شده و طیفه منشی - الممالك دانسته^{۲۸} و در تذکرة الملوك این کار از وظایف خاص واقعه نویس که نام دیگر آن مجلس نویس بوده معرفی شده است^{۲۸} و اگر نوشته آقای محیط طباطبائی را مبنی بر اینکه دو شغل واقعه نویس و منشی الممالكی تازمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸) یکی بوده و از آن تاریخ این دو شغل از یکدیگر تفکیک شده اند^{۲۹} درست بدانیم، خلط وظایف این دو شغل و اختلاف نوشته‌های دو رساله تذکرة الملوك و دستور الملوك را ظاهراً باید ناشی از این دانست که دو رساله مزبور از روی دو دستور العمل متفاوت تنظیم و تدوین شده اند و اما بموجب مجموعه منشأتی خطی که در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۵ق) درباره اقسام نوشته‌های دیوانی و مقررات و آداب نگارش آنها تألیف شده^{۳۰} قدر مسلم این است که روش و ترتیب نگارش نوشته های دیوانی و سلطانی تازمان شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴) بر اساس تداول دیوانی دوره‌های پیش بوده و از زمان این پادشاه، « دستور العملی » نوین برای نگارش اقسام فرمانها و نوشته‌های دیوانی تنظیم و مقرراتی جدید وضع گردیده است و مؤلف این مجموعه در شرح مقررات متداول زمان تألیف خود، یعنی زمان سلطنت شاه سلیمان، تصریح می‌نویسد: « دستور العمل دیوان در آن باب دستور العملی است که نواب شاه جنت مکان علیین آشیان شاه طهماسب طاب ثراه قرار داده و اکثر آن در دفاتر ثبت است » بنابراین تخصیص قسمتی از وظایف منشی الممالك به واقعه نویس و بالعکس را به زمان شاه طهماسب اول باید منسوب داشت نه بزمان شاه عباس اول و در تأیید این نظریه به ضبط عالم آراء عباسی

۲۷- فصل هشتم مقاله سوم باب سوم

۲۸- ص ۱۵-۱۶

۲۹- مقاله نخستین وزیر امور خارجه ایران در نشریه وزارت امور خارجه شماره ۱۲ دوره دوم - اسفند ۱۳۳۹ ص ۲۵ . تردید ما در گفته آقای محیط طباطبائی از این بابت است که ایشان مأخذ و مدرک خود را بدست نداده‌اند.

۳۰- کتابخانه ملی ملک بشماره ۶۲۹۳ ، مؤلف این مجموعه شناخته نیست .

که خود در زمان شاه عباس اول تألیف شده است و اشاره صریح به «قانون قدیم و دستورالعمل زمان شاه جنت مکان» دارد نیز می توان استناد نمود^{۳۱} و چنانچه ماخذ گفته آقای محیط طباطبائی را هم شرحی بدانیم که مؤلف عالم آراء عباسی در ضمن ترجمه احوال آقا میرزا علی دولت آبادی مستوفی الممالک آورده است، باز درست در نمی آید زیرا اسکندر بیگ در آن مورد نوشته است: «نسخه تشخیص جمع و خرج ممالک محروسه که حاتم بیگ طرح کرده بود و امروز قدوه و قانون دفترخانه همایون است، در زمان استیفاء او [یعنی آقا میرزا علی دولت آبادی] اتمام یافت^{۳۲}. و بطوریکه از این عبارات برمی آید دستورالعملی که حاتم بیگ اعتمادالدوله (متوفی در سال ۱۰۱۹ق) در فاصله سالهای ۹۹۹ و ۱۰۱۱ق طرح و تنظیم کرده^{۳۳}، درباره جمع و خرج مالی کشور بوده است نه در مورد مناصب و وظائف و مشاغل و امور رسائل و انشاء. و اما اینکه نوشتن نامه ها و جوابها به پادشاهان جزو وظایف منشی الممالک یا واقعه نویسی، کدامیک بوده که از او بدیگری انتقال یافته است شاید منطقی تر است تصور شود که در دوران سلطنت تر کمانان این کار وظیفه واقعه نویسی بوده و از دوره صفویه به منشی الممالک تخصیص یافته است زیرا همین روش در ادوار بعد بخصوص در سلسله قاجاریه که روش دیوانی و حکومتی خود را بر اساس روش صفویان نهاده بودند^{۳۴} معمول بوده و نامه هائی

۳۱- جلد یکم ص ۵۸۷ چاپ مؤسسه امیرکبیر- مراد از قانون قدیم که اسکندر بیگ نوشته است مقررات موضوعه اوزن حسن است که بنا بر گفته مؤلف لب التوازیخ تازمان شاه طهماسب رایج بوده است (رک به مقاله مینورسکی تحت عنوان «مطالعه ای در امور نظامی و غیر نظامی فارس»)

A civil and military Riview ص ۱۴۲ و ترجمه فارسی آن در مجله بررسیهای تاریخی شماره ۶

سال سوم ص ۱۸۸ ترجمه دکتر حسن جوادی

۳۲- عالم آراء عباسی ص ۱۰۹۲ چاپ امیرکبیر .

۳۳- حاتم بیگ در ۹۹۹ بمقام استیفا (ص ۴۳۷ عالم آراء) و در سال ۱۰۰۰ بوزارت اعظم (ص ۴۳۹) منصوب شد و چون اتمام طرح او را اسکندر بیگ به کرشمش آقا میرزا علی مستوفی الممالک که از سال ۱۰۰۶ تا ۱۰۱۱ (ص ۱۰۹۲ عالم آراء) مقام استیفا داشته است، نسبت داده نسخه مزبور را محاله بین سالهای ۹۹۹ و ۱۰۱۱ طرح و اتمام یافته است .

۳۴- رک به مقدمه تذکره الملوك نسخه خطی در کتابخانه ملی ملک بشماره ۶۲۷۵ و همچنین به کتاب تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه تألیف عبدالله مستوفی ج ۱ ص ۲۷

را که بسلاطین و پادشاهان دیگر و یا جوابهایی که بآنها نوشته میشد، منشی الممالک می نوشته است

بدین ترتیب، مکاتبات پادشان و نامه‌ها و جوابهایی را که می نوشتند، منشی الممالک مسوده می کرد و در حضور شاه خوانده میشد. اگر مورد قبول و پسند واقع می گردید به نامه نویس میدادند تا بخط خوش بنویسد^{۳۵} و در دوره صفویه، چنانکه مؤلف دستورالملوک نوشته است «معمول چنین بود که کاغذ هر نامه را از کتابخانه می دادند و مذهبان هر يك را فراخور حال و رتبه و عظمت شان آن پادشاه موافق قاعده و ضابطه که منشی الممالک سر رشتند آن را داشتند و خاطر نشان می کردند، جدول کشیده و تذهیب و تزئین و متن نامه را افشان طلا می نمودند، آنگاه [نامه] نویس شروع به نوشتن آن می کرد^{۳۶}».

در باره روش تنظیم و صدور سلطانیات و دیوانیات در دوره های افشاریه و زندیه اطلاعی در دست نیست ولی ظاهراً بعلمت اینکه پادشاهان این دو سلسله همیشه در اردو کشی و جنگ و حرکت بوده اند و تشکیلات ثابتی نداشته اند احتمالاً امور انشاء و رسائل آنها با چند تن منشی و نویسنده برگزار میشده است و چند فرمانی هم که از این پادشاهان موجود می باشد و در پشت هر يك از آنها اثر و نقش یکی دو مهر و طغرا بیشتر دیده نمیشود، سادگی تشکیلات اداری آنها را نشان میدهد.

دوران پادشاهی آقا محمدخان قاجار نیز از حیث دستگاه و تشکیلات اداری مشابه زمان پادشاهان افشار و زند بوده است. در زمان او فرمان و حکم و رقم کتبی بسیار کم صادر میشد زیرا امور روزمره را او خود، حضوری رتق و فتق می کرده است^{۳۷}.

پس از آقا محمدخان، در زمان جانشینی فتحعلیشاه، چون بالنسبه

۳۵- دستورالملوک فصل هشتم از مقاله سوم از باب سوم و همچنین در فصل نهم از مقاله اول از باب ششم

۳۶- همان کتاب و همان صفحات

۳۷- عبدالله مستوفی: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه ص ۲۷ جلد یکم

آرامش و سکونی در کشور برقرار شده بود، دوباره تشکیلات اداری کشور توسعه یافت و مشاغل اداری زیاد شد و مستخدمین درباری و دولتی فزونی یافتند و در نتیجه پرداخت حقوق و مستمری آنها دیگر از «خزانه زیر کلید» ممکن نبود و ناگزیر برای صاحبان مواجب و مستمری بگیران فرمانها صادر میشد و از این رو فرمان نویسی باز رفته رفته رواج یافت و بعلاوه توجه دولت‌های اروپائی بایران و برقراری روابط روز افزون آنها با ایران نیز ایجاب میکرد دارالانشائی باشد و دبیر و منشی و نویسندگان بیشتری بکار گمارده شوند و از این رو باز وجود منشی الممالک نیاز پیدا شد و بدین جهت، در ماه صفر ۱۲۲۰ ق این شغل و لقب برای نخستین بار در دوره قاجاریه به میرزا رضا قلی نوائی متخلص به سلطانی که از آغاز روی کار آمدن آقا محمد خان، در دستگاه او بود و گذار گردید^{۳۸} و او نخستین منشی الممالک در دوره قاجاریه بوده است.

در فرمان منشی الممالکی میرزا رضا قلی که خوشبختانه عکس آنرا در اختیار داریم^{۳۹} وظایفی که به منشی الممالک ارجاع شده و یا میشده بخوبی روشن گردیده است و ما پیش از آنکه بذکر این وظایف بپردازیم سواد فرمان مزبور را در این جا نقل می‌کنیم:

اثر مهر فتحعلی شاه: فرشی

العزة لله

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی ۱۲۱۷

الملك لله تعالى شانه حکم والاشد آنکه از روزی که رقم

[یک کلمه ناخوانا] وزیر دیوان ابداع، و انشاء دبیر دفتر خانه

۳۸- ر.ک. فرمان منشی الممالکی اودر همین مقاله و همچنین به منتظم ناصری جلد سوم ص ۸۶

۳۹- اصل فرمان در تصرف شادروان دکتر حسین قدیمی نوائی از نوادگان میرزا رضا قلی بوده است و عکس آنرا آقای محمد قدیمی نوائی برادر آن مرحوم در اختیار ما گذاشتند و ما از این بابت صمیمانه از ایشان سپاسگزاریم.

«توتی الملك من تشاء»^{۴۰} مثال لازم| لامتناهال کشور ستانی و جهان آزمائی موشح بنام نامی همایون و نگین مهر آئین سلطانی که از گوهرش خواص خاتم سلیمانی ظاهر و نظر «بمفاد لایمسه الاالمطهرون»^{۴۱} دست اهریمنان دولت ابد مقرون از آن قاصر است مزین عنوان فرامین قدر نمون ذات ملکوتی صفات در ممالک ملکاً کبیر [و] ملک مراد شرف بخشای تشریف خلافت کبری گشته تارک مبارک از افسر «رب وهب» لی ملک لاینبغی لاحد من بمدی^{۴۲} «اکلیل سا و جبهه سلاطین ذیجاه، سعادت اندوز آنخجسته در گاه سپهر آسا [؟] خزاین آسمان سان بانجم [؟] برای راحت [؟] آماده و آماده و ابواب مخازن بانعام و احسان عام قآنی بر چهره آمال و امانی عموم جهانیان گشاده گردید، ما نیز در ازای این آلائی والا و بشکر گزاری این موهبت علیا بر ذمت همت حق شناس که بنیان عدالت را مؤسس و بر صفایح ضمیر مرحمت اساس که از نوازش مهر هنیر مقتبس است لازم و مرتسم فرموده ایم که هر یک از دولتخواهان قدیم که قدمت ارادتش در جاده صداقت مبری از شوایب انحراف و انزلاق و قلم و ارسر بر خط بندگی نهاده چون چهره صفحه رو سفید از ظهور حسن خدمت آستان فلک انطباق باشد بمصدق الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرأ کبیرا»^{۴۳} او را بخطاب مستطاب انک الیوم

۴۰- جزئی از آیه ۲۵ سوره آل عمران (سوره سوم)

۴۱- آیه سوره ۷۸ سوره الواقعة (سوره ۵۶)

۴۲- آیه ۳۴ سوره سی و هشتم (سوره ص)

۴۳- آیه دهم از سوره بنی اسرائیل (سوره هفده)

الدینامکین امین^{۴۴} مؤتمن دولت فلک تمکین و بحکم جزاء
من ربك عطا حسابا^{۴۵} از شمول مکارم بی حساب ناظم مهمات
کلیه و خدمات علیه دیوان قضا آئین فرمائیم و آئینه مصفای این
مقال صورت نمای احوال مخالفت منوال عالیجاه رفیع جایگاه
دولت و اقبال پناه، عزت و اجلال همراه، مناعت و نبالت اکتناه
عظمت و وحشمت دستگاہ اخلاص و ارادت آگاه مقرب الخاقانی
معتمد السلطانی میرزا رضاقلی قدیمی^{۴۶} که عندلیب بیانش
در گلستان ارادت و ادراک بسوای آمنت و عرف مولا سواک
نوا پرداز و بنان و بلاغت بیانش در شیوه فصاحت شعاری
و معنی نگاری، اعجاز طراز صغیر خامه اش در تحریر نامه،
ان هذا الاسحر یؤثر^{۴۷} و سرانگشت فکرش را در افتتاح
عقدمشید و مهمات ملکی دستی دیگر است، و لهذا در دوران
دولت مهدت ممالک او را منشی الممالک دیوان
جاوید مبانی و ناظم امورات در خانه سلطانی و اختیار دهر
مهر آثار و مقالید انتظام مهام خزانه عامره و قیجا جیخانه
مبارک^{۴۸} و سایر خدمات کلیه و خزینه سرکار خلافت مدار

۴۴- قسمتی از آیه ۵۴ سوره یوسف (سوره ۱۲)

۴۵- آیه ۳۶ سوره النباء (سوره ۷۸)

۴۶- مراد از لفظ قدیمی در اینجا، اشاره به قدمت سابقه خدمت میرزا رضاقلی در دستگاه قاجار است زیرا

۴۷- آیه ۲۴ سوره ۷۵

بطوریکه میدانیم میرزا رضاقلی از زمان آقا محمدخان درخاندان قاجار بشغل منشی گری اشتغال
داشته و ملا محمد ساروی در تاریخ محمدی که در شرح احوالات آقا محمدخان قاجار است از او بعنوان
«میرزا رضاقلی منشی» نام برده است (نسخه عکسی نگارنده) و در ناسخ التواریخ ج ۱ قاجاریه
ص ۳۳ و ۴۸ و روضه الصفای ناصری ص ۹۷ و ۹۸ و ۱۲۵ و ۳۴۹ و منتظم ناصری جلد سوم ص ۵۱ و ۵۲ و
۶۳ نیز ذکر او آمده است و بخصوص هدایت درباره او مینویسد: «حضرت خاقان شهید و خاقان
مغفور بملاحظه قدمت خدمت محرمیتی خاص داشت» (روضه الصفا ص ۳۴۹) و اما استعمال این لفظ
در این فرمان از دوره قاجاریه که بعدها هم بازماندگان او آنرا بجای نام خانوادگی خود بکار برده اند
(قدیمی نوانی) تقلیدی از رسم دوره صفوی است که بدقیقترین بستگان و خدمتگزاران و بیرون
صمیمی پادشاهان صفوی اطلاق میشده است و آنرا در مقابل «ملازمان جدید» بکار میبردند (رک به
احیاء الملوك ص ۲۱۳) تا امتیازی خاص برای آنها باشد چنانکه در احیاء الملوك مکررا باین لفظ
و اصطلاح برمیخوریم از جمله در این عبارت: «وملك الملوك، امیر حسن جان را که قدیمی او بود مستوفی
کرده بود...» (ص ۲۰۷) و همچنین: «به پاداری سیدی کندهای شهر که او نیز از قدیمیان امیر
مذکور بود سپردنده» (ص ۱۶۳) و نیز «ملك، اشاره به میرشکار حاجی که قدیمی ملك بود نمود...»
(ص ۲۵۰) و در مواضع متعدد دیگر.

۴۸- قیجا جیخانه از اصطلاحات دوره صفوی است و به خیاطخانه و جامه خانه مخصوص پادشاهی گفته میشده است.

را بکف اقتدار و اعتبار او ارزانی و قرینین نوا و لاجیم که محل توطن آبا و اجداد و ملک موروث عالیجاه جلالت بنیاد است سابقا بتیول ابدی و سیورغال سرمدی عالیجاه مشارالیه عنایت و مقرر و او را از تفویض مناصب جلیله مزبور و ظهور این مکرهات و الطاف غیر محصور منفرد و مقتخر فرمودیم. مقرر آنکه عالیجاهان معلی جایگاهان بیگلر بیگیان و سرداران و سپه سالاران و سران و خوانین و حکام ممالک محروسه سلطانی و عسا کر منصوره ظفر مبانئ و صاحب جمعان خزانه عامره و قیجا جیخانه مبارکه و عموم کار گزاران در خانه سلطانی و دفتر خانه عدالت مبانئ و عموم اعزه و اشراف و اعیان مملکت ایران حسب المقرر، معمول و مشاغل و خدمات مذکوره را مختص به عالیجاه مشارالیه و او را مرجع دانسته در فردات خدمات مزبوره باور جوع و او امر و نواهی عالیجاه مشارالیه را که ناشی از احکام علیه پادشاهی است مطیع و منقاد باشند. کتاب مقرب انتساب و دفتر خانه مبارکه که شرح فرمان اشرف را در دفاتر لازمه ثبت و در عهده شناسد. تحریر آشهر صفر المظفر سنه ۱۲۲۰»

بطوریکه از این فرمان برمی آید، در صدر دوره قاجاریه، علاوه بر وظیفه حفظ روابط مکاتباتی و سیاسی بین پادشاه با پادشاهان دیگر که همان شغل وزارت امور خارجه باشد، وظایف «انتظام مهم خزانه عامره» (استیفاء کشور) و نظامت «امور درب سرای سلطنتی» و «اختیار مهر مهر آثار» نیز به منشی الممالک محول بوده است و می توان تصور کرد که وظیفه اصلی منشی الممالک همان اداره دیوان انشاء و رسالت و مهر داری بوده و وظایف دیگر را فتحعلیشاه بسبب اعتماد و اطمینانی که به میرزا رضاقلی «قدیمی» داشته است با او واگذار کرده است. بنابراین منشی الممالک یا وزیر دیوان انشاء، در این دوره مشاغل مستوفی-



فرمان منشی الممالکی میرزا رضاقلی نوائی

الممالک^{۴۹} و ایشیک آغاسی باشی (حاجب دربار) و مهرداد سلطنتی را نیز سرجمع وظیفه اصلی خود بعهده داشته است.

یکسال بعد (۱۲۲۱) از اعطای منصب منشی الممالکی چه میرزا رضاقلی، فتحعلیشاه زمام امور دولتی کشور را بیرون از دستگاه حرمخانه^{۵۰} بدست چهار نفر سپرد:

- ۱- صدراعظم که بر تمام امور نظارت می‌داشت.
 - ۲- امین الدوله که وزارت استیفای کل کشور (وزیرداری) را بعهده داشت.
 - ۳- منشی الممالک و وزیر رسائل که وظایف دفتر مخصوص پادشاه و امور مربوط به روابط با خارجیان را انجام میداد.
 - ۴- وزیر لشکر که مسؤل امور لشکری بود^{۵۱}
- چنانکه دیده می‌شود دو شغل انشاء و استیفاء که تا این سال به منشی الممالک واگذار بود، در این سال از یکدیگر تفکیک گردید^{۵۲} و در ترتیب جدید، میرزا رضاقلی همچنان بر منصب و شغل منشی الممالکی باقی ماند^{۵۳} و تا سال ۱۲۲۴ قمری نیز بر این شغل و مقام باقی بود^{۵۴}
- دوران منشی الممالکی میرزا رضاقلی مصادف با گرمی بازار روابط ایران و فرانسه بوده است و بهمین سبب چند نامه از او که دربارهٔ روابط بین دو کشور نوشته شده است در آرشیو وزارت خارجه فرانسه موجود میباشد^{۵۵} و از

۴۹- هدایت در روضة الصفا می‌نویسد: «... وزارت استیفای مالک و دارالانشاء با میرزا رضاقلی نوائی متخلص بسلطانی بود و در هر دو کار مداخلت مینمود و نوشته‌جات هر دو گونه را در حضور مبارک پادشاهی بمر مبارک مشرف میکرد» ص ۱۷۳

۵۰- برای آگاهی از تفکیکات حرمخانه به ص ۱۲۷ ج ۱ کتاب مستوفی رجوع کنید .

۵۱- منتظم ناصری ج ۳ ص ۴۶ و ناسخ التواریخ ج ۱ قاجاریه ص ۸۵ و روضة الصفا ناصری ص ۱۷۳

۵۲- مولف روضة الصفا می‌نویسد: «... پادشاه نکته‌دان را در دست نمود که امر معامله و محاسبه و صدور احکام و ارقام و مهربروت و فرامین هر دو را یک کس دخیل باشد... لہذا دارالانشاء را میرزا رضاقلی منشی الممالک داشته و جناب حاجی محمد حسین خان اصفهانی بیگلربیگی اصفهان را از دارالسلطنه اصفهان احضار و بمنصب استیفای شمالمک محروسه مفتخر و لقب اورا بواسطه امانت امین الدوله نهاد...» ص ۱۷۳

۵۳- منتظم ناصری ج ۳ ص ۴۶ و ناسخ التواریخ ج ۱ قاجاریه ص ۸۵ و روضة الصفا ج نهم ص ۱۷۳

۵۴- منتظم ناصری ص ۹۴-۹۵ و روضة الصفا ص ۱۹۳

۵۵- مکاتبات سیاسی جلد نهم برگهای ۱۰۰ و ۱۰۱ (دو نامه بتاریخ شوال ۱۲۲۱) و جلد هفتم برک ۳۸

جمله آنها نامه‌ایست بخط و مهر او که بتاریخ شعبان ۱۲۲۰ قمری (نوامبر ۱۶۰۵) بوزیر امور خارجه فرانسه نوشته شده^{۵۶} (گراور شماره ۲)

میرزا رضاقلی چنانکه گفتیم تا سال ۱۲۲۴ در شغل منشی الممالکی باقی بود تا اینکه در این سال بوزارت خراسان معین گردید و شغل و منصب منشی الممالکی به میرزا عبدالوهاب نشاط اختصاص یافت^{۵۷}

آقای محیط طباطبائی در مقاله فاضلانۀ خود زیر عنوان «نخستین وزیر امور خارجه ایران»^{۵۸} می‌نویسد: میرزا عبدالوهاب نشاط ملقب به منشی الممالک نخستین وزیر امور خارجه ایران بوده و آقای حسین سعادت نوری هم در مقاله‌ای که در شرح حال میرزا ابوالحسن خان ایلچی نوشته است به تبعیت از آقای محیط، نشاط را نخستین وزیر امور خارجه و بالتبع میرزا ابوالحسن خان را دومین آن دانسته است^{۵۹} و حال آنکه بحق باید میرزا رضاقلی نوائی را نخستین وزیر امور خارجه دوره قاجاریه و نشاط را دومین آن محسوب داشت زیرا وظیفه و شغل این هر دو یکسان بوده است، هر دو شغل و منصب و لقب منشی الممالکی داشته‌اند^{۶۰} و هر دو «جمع میان

۵۶- مکاتبات سیاسی جلد هفتم برگ ۳۸

۵۷- منتظم ناصری ص ۹۵ و روضه‌الصفاء ص ۱۹۳

میرزا رضاقلی مدتها در خراسان وزارت شاهزاده محمد ولی میرزا را داشت و بطوریکه میدانیم تا حدود ۱۲۲۸ هم بطور قطع در این شغل بوده است زیرا مؤلف روضه‌الصفاء در شرح وقایع این سال از او نام برده است (ص ۲۰۸) و محتملا تا سال ۱۲۳۲ نیز که شاهزاده حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه والی خراسان شد (ص ۲۲۰ روضه‌الصفاء) میرزاقلی در خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا بوده است (ص ۱۹)

رضاقلی خان هدایت در شرح احوالات او می‌نویسد «در اواخر ایام با امرای قاجار حاجی جان محمدخان و دیگران بکله معظمه رفته و رجوع بظهران از ساحل عمان کرده و در شیراز بوزارت نواب شاهزاده حسنعلی میرزا فرمانفرما امتیاز یافته توقف گزیده و سالی چند بماند» ص ۲۴۹- میرزا رضاقلی شعر نیز میگفت و در شعر سلطانی تخلص میکرد و هدایت نمونه‌هایی از اشعار او را در مجمع‌الفصحاء آورده است. پس از او چندی هم پسرش میرزا محمد تقی منصب منشی الممالکی یافت و میرزا اسداله خان مشاور السلطنه که بعد از مشروطیت بارها مقام وزارت از جمله وزارت امور خارجه را داشت نوة اوست.

۵۸- نشریه وزارت امور خارجه شماره ۱۲ دوره دوم - اسفند ۱۳۳۹

۵۹- نشریه وزارت امور خارجه دوره سوم شماره ۳ سال ۱۳۴۵

۶۰- نشاط پس از برکناری میرزا رضاقلی در سال ۱۲۲۴ منشی الممالک شد (روضه‌الصفاء ص ۱۹۳) و منتظم

ناصری ص ۹۴-۹۵

لوازم مهم خارجی و داخلی را می‌کردند» و وظیفه «انتظام مهمات خارجه، نیز که طی فرمانی در سال ۱۲۳۶ به نشاط واگذار شده بود و آقای محیط هم بهمان سبب، نشاط را وزیر امور خارجه دانسته‌اند^{۶۱} درحقیقت عنوانی ظاهری پیش نبوده که در متن فرمان آمده است چه همانگونه که آقای محیط هم خود نوشته‌اند وظیفه وزارت امور خارجه تا این تاریخ سرجمع سایر وظایف منشی‌الممالکی بوده^{۶۲} و واضح است که تفکیک آن از وظایف و لقب منشی‌الممالکی در زمان نشاط^{۶۳}، باز وجود وظیفه مربوط به امور خارجه را از جمع وظایف منشی‌الممالکی زمان میرزا رضا قلی نوائی نفی نمی‌کند^{۶۴} اما مسأله تفکیک این دو وظیفه از یکدیگر، مسلم نیست نهایت آنکه میدانیم معتمدالدوله از این پس بیشتر با امور وزارت و صدارت دخالت می‌کرد^{۶۵} و بکار منشی‌الممالکی چندان نمی‌رسیده است چنانکه قائم‌مقام در نامه‌ای که بسال ۱۲۳۹ از طهران به تبریز به برادر خود میرزا موسی خان و درباره وضع دربار فتحعلیشاه نوشته است می‌نویسد :

« شاه فرمودند ما در آرزوی این هستیم که یکنفر باشد فرمایش ما را موافق خواهش ما بنویسد ، بتنگ آمده‌ایم . میرزا خانلر، مستوفی است^{۶۶} ، از او توقع نداریم . معتمد سرباین کار فرو نمی‌آرد ، امین‌الدوله^{۶۷} خراست نمی‌فهمد .

۶۱- مقاله آقای محیط ص ۳۴

۶۲- همان مقاله و همان صفحه .

۶۳- آقای محیط نوشته است : ضمناً استنباط میشود که مشاغل دیوانی احتمالی دیگر که با عنوان یا لقب منشی‌الممالک همراه بوده، از وظیفه خطیر مهم وزارت خارجه جدا شده تا نشاط بتواند بهتر بلوازم اینکار برسد . سپس اضافه می‌کنند: پس میتوان گفت در سال ۱۲۳۶ تعهد مهم امور خارجه از وظیفه و لقب منشی‌الممالک تفکیک شده و استقلال بهم رسانیده است.

۶۴- مؤلف روضه‌الصفا در شرح وقایع سال ۱۲۲۱ که از تقسیم امور بجهت وزارت صحبت میکند راجع به وزارت انشاء و منشی‌الممالکی مینویسد «سوم وزیر دیوان انشاء که آنرا منشی‌الممالک خوانند و مخصوص اوست و حکم تحریر نامه‌جات دول خارجه و فرامین قضائین مطاعه و ملفوفه‌جات اسرار مکنونه و مرموزه» ص ۱۷۳

۶۵- ر.ک به روضه‌الصفا ج ۹ ص ۲۹۲

۶۶- مراد ، میرزا فریدون مشهور به میرزا خانلربند پی مازندرانیست .

۶۷- مقصود حاجی محمد حسین‌خان بیگلربیگی اصفهانیست که در سال ۱۲۲۱ وزارت استیفا یافت .

نمیدانم در میان میرزاها کسی هست که این خدمت بکند یا نه؟ معتمد عرض کرد که میرزا هدایت^{۶۸} و میرزا فضل‌اله شیرازی^{۶۹} و میرزا تقی نوائی ولد میرزا رضاقلی و میرزا بابای آشتیانی هست. شاه جواب نفرمود و برخاست و باز فردا میرزا خانلر را خواست و خدمت تحریر را باو رجوع فرمود...»^{۷۰}

بنابراین معلوم میشود بعد از تعیین معتمدالدوله نشاط به وزارت امور خارجه چون اودرست باین کار نمیرسید امر دیوان انشاء در اوائل به میرزا خانلر رجوع میشده است و رفته رفته که مأموریتهای دیگر هم به نشاط محول می گردید^{۷۱} ظاهراً امور وزارت خارجه نیز معطل مانده بوده و احتمالاً بهمین سبب فتحعلیشاه در سال ۱۲۴۰ میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف بایلچی را بی آنکه در کار انشاء دخالت داشته باشد بوزارت امور خارجه انتخاب نمود^{۷۲} و از این زمان است که منشی الممالکی از وزارت امور خارجه تفکیک گردیده است.

از این پس معتمدالدوله با داشتن لقب و منصب منشی الممالکی، مرجع امور مهم کشور و غالباً در سفر و حضر ملتزم رکاب شاه بوده است^{۷۳} و امور دیوان انشاء را دیگران از جمله میرزا محمدرحیم شیرازی^{۷۴} و میرزا محمد مهدی

۶۸- میرزا هدایت پسر میرزا اسداله لشکر نویس و پسر او میرزا آقا خان نوریست و این شخص اخیر بعدها در سلطنت ناصرالدین شاه از ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ صدراعظم بود.

۶۹- میرزا فضل‌اله شیرازی متخلص به خاوری و مؤلف تاریخ ذوالقرنین میباشد که نسخه‌های خطی از آن در کتابخانه ملی ملک موجود است.

۷۰- منشآت، چاپ نگارنده این مقاله ص ۸۸

۷۱- از جمله در سال ۱۳۳۸ که شجاع السلطنه از حکمرانی خراسان معزول و شاهزاده علی تقی میرزا بجای او مأمور شد معتمداله با سمت پیشکاری او بخراسان رفت (ص ۲۵۶ روضة الصفا)

۷۲- منتظم ناصری ج ۳ ص ۱۲۱

۷۳- ر. ک به ص ۲۷۸ روضة الصفا

۷۴- روضة الصفا ص ۲۶۵

ملك الكتاب^{۷۵} اداره می کردند تا آنکه معتمد الدوله در ذیحجه ۱۲۴۴ در گذشت در این موقع فتحعلیشاه که با احترام معتمد دوله تا آن روز منشی الممالک دیگری انتخاب نکرده بود، منصب منشی الممالکی را به میرزا خانلر سپرد اما دیری نپائید یعنی سه ماه بعد میرزا خانلر هم به وبای عام در گذشت (صفر ۱۲۴۵) و میرزا محمد تقی علی آبادی (متوفی بسال ۱۲۵۶) منشی الممالک شد^{۷۶}

علی آبادی از این سال تا ۱۲۴۹ منشی الممالک بود و چون در این سال معزول شد^{۷۷} میرزا محمد تقی نوائی پسر میرزا رضاقلی، منشی الممالک شد^{۷۸} و او تا سال ۱۲۵۴ زمان سلطنت محمد شاه بر این شغل بود و در این سال میرزا ابوالقاسم بجای او منشی الممالک گردید.

صنیع الدوله در باره این میرزا ابوالقاسم نوشته است که او پسر میرزا محمد تقی بود^{۷۹} ولی ما نمیدانیم که او پسر میرزا محمد تقی نوائی و یا میرزا محمد تقی دیگری بوده است.

از این پس تا پایان سلطنت محمد شاه هم شغل منشی الممالکی در دستگاه اداری وقت وجود داشته ولی رفته رفته از اهمیت آن کاسته میشد تا آنکه در سال ۱۲۶۴ که ناصرالدین شاه به سلطنت رسید این عنوان و لقب را

۷۵- ر. ک به مقاله ملك الكتاب عشرت فراهانی بقلم نگارنده این مقاله در مجله یادگار شماره ۸ سال ۴

۷۶- روضة الصفا ص ۲۹۲ و منتظم ناصری ص ۱۴۶

۷۷- روضة الصفا در علت عزل او مینویسد :

« جناب میرزا محمد تقی صاحب دیوان علی آبادی بواسطه غرور عزت و وفور محرمیت و قدمت خدمت آبا و اجداد درین دولت خدا داد و در عالم منصب انشاء دیوان ممالک سهواً بسبب فرمانی که بنظر مبارک قبله عالم خاقان کبیر نرسانیده بود بعد از سه سال منشی الممالکی و کمال

اعتبار از این منصب معزول [شد] ص ۳۲۸

۷۸- منتظم ناصری ج ۳ ص ۱۵۵

۷۹- همان کتاب ص ۱۷۲

بکلی منسوخ نمود و میرزا محمد سعید انصاری را «کاتب اسرار مکتومه و منشی رسائل خاصه»^{۸۰} کرد و منشی الممالکی جای خود را به منشی رسائل خاصه داد.

پایان

